

تحفة الفاطمیین فی احوال قم و القمیین

بخش دهم

حسین بن محمد حسن قمی

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

باب چهارم

در ذکر امامزادگان عظام و شاهزادگان عالی‌مقام که در ارض مقدس قم مدفون‌اند و این باب مشتمل است بر یک مقدمه و دوازده فصل:

اما مقدمه:

مرحوم حاجی میرزا حسین نوری -اعلی الله مقامه- در کتاب مستطاب تحیة الزائرین، می‌فرماید که: قبور امامزادگان، محل فیوضات و برکات و نزول رحمت و عنایات الهیة است و علماء اعلام تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت قبور ایشان و بحمدالله تعالی که [در] غالب بلاد شیعه، قبورشان موجود، بلکه در قرای و بریة و اطراف کوه‌ها و دره‌ها و پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلائی پڑمردگان بوده و خواهند بود،

تا یوم قیام و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده، لیکن مخفی نماناد که امامزاده‌ای که انسان به اطمینان خاطر^۱ محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شد رحال کند به سمت قبر شریفش باید که دو مطلب را اول درست کرده، آنگاه قصد مقصد کند:

اول. جلالت قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد، علاوه بر شرافت نسب و علاقه بنؤ به حسب آنچه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم می‌شود.

دویم. معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحت نسب قبر به آن جناب و جمع بین این دو بسیار کم است، چه بسیار از قبوری که نسبت می‌دهند به این بزرگواران، نه حال صاحبانش معلوم و نه مدفون بودن او در آنجا و جملهٔ دفنشان در آنجا معلوم و حالشان مجهول و پاره‌ای جلالت قدر آن امامزاده معین ولیکن مرقد شریفش مشتبه، انتهی کلامه.^۲

مؤلف گوید که: چون به ذکر این مقدمه پرداختیم، اکنون شروع در نوشتن فصول این باب می‌نماییم.

۱. در اصل: «خوارق».

۲. تحیة الزائرین نوری، ص ۳۲۲.

فصل اول

در ذکر امامزاده عالی مقام، حضرت علی بن جعفر^۱ الصادق^{علیه السلام}

که فرزند بلاواسطه حضرت امام جعفر صادق^{علیه السلام} است. جلالت شأن و بزرگی مقام او زیاده از آن است که در این مقام ذکر شود. تربیت شده برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} است و از بزرگان راویان و صاحبان تصنیف می باشد که کنون بحمدالله در دست است و پنج امام را درک نموده و خدمت کرده [است].

و در کتاب: منتهی الآمال^۲ مسطور است که حضرت علی بن جعفر^{علیه السلام} سیدی جلیل القدر و عظیم الشأن، شدید الورع، عالم کبیر، راوی حدیث و کثیر الفضل بوده و تا حضرت جواد^{علیه السلام} بلکه به قول صاحب عمدة الطالب^۳ تا حضرت هادی امام علی النقی^{علیه السلام} را درک کرده و در ایام آن حضرت وفات یافته و پیوسته ملازمت برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} را اختیار نموده و از آن جناب، معالم دین مبین، اخذ می نمود و از برکات اوست، مسائل علی بن جعفر که در دست است و علامه مجلسی آن را در مجلد چهارم بحار الانوار،^۴ نقل فرموده و بالجمله شأن و جلالت آن بزرگوار، زیاده از آن است که در اینجا ذکر شود. تمامی علمای رجال او را ستایش بلیغ نموده اند.

و شیخ کشی روایت کرده که وقتی طبیب خواست حضرت امام محمد تقی^{علیه السلام} را فصد کند، چون بیشتر را نزدیک حضرت آورد که رگ را قطع کند، علی بن جعفر^{علیه السلام} نزدیک آمد و گفت: ای آقای من! ابتدا مرا فصد کند که حدت بیشتر بیشتر در من اثر کند و جناب شما را متالم نگرداند و چون آن حضرت برخاست^۵ برود، علی بن جعفر، برخاست^۶ و کفش های آن حضرت را جفت کرد و در پیش پای آن حضرت نهاد و حال آنکه حضرت علی بن جعفر، در آن حال پیرمرد محترمی بود و حضرت جواد^{علیه السلام} تازه جوان بود.^۷

و شیخ کلینی روایت کرده از محمد بن حسن بن عمار که من ده سال، در مدینه خدمت حضرت علی بن جعفر^{علیه السلام} بودم و از او اخذ می کردم احادیثی را که از برادرش حضرت ابوالحسن^{علیه السلام} شنیده بود و می نوشتم آنها را. وقتی در خدمت او بودم که حضرت جواد^{علیه السلام} داخل مسجد رسول^{صلی الله علیه و آله}

میراث شهاب

شد، علی بن جعفر چون نظرش بر آن حضرت افتاد، بی اختیار از جای خود برخاست^۸ و بی کفش و ردا خدمت آن حضرت دوید و دست او را بوسید و او را تعظیم و تکریم کرد، حضرت جواد^{علیه السلام} فرمود: ای عمو بنشین خدا تو را رحمت کند. عرض کرد: ای سید و آقای من! چگونه بنشینم و حال آنکه تو ایستاده ای؟! پس چون علی بن جعفر^{علیه السلام} از خدمت آن حضرت مرخص شد و آمد و در مجلس خود نشست، اصحابش او را سرزنش کردند و گفتند: تو این نحو با او رفتار می کنی و حال آنکه عموی پدر او می باشی! فرمود: سکوت کنید، پس دست بُرد و محاسن خود را گرفت و گفت: هرگاه حق تعالی مرا با این ریش، اهلیت نداد از برای امامت و این جوان را اهلیت داد و امامت را به او تفویض نمود، آیا من انکار کنم فضل او را؟ پناه می برم به خدا از آنچه شما می گوئید که احترام او را ندارم! بلکه من بنده او می باشم.^۹

و در کتاب تعلیقه بهبهانی مذکور است که جد من ملا محمد تقی مجلسی - علیه الرحمه - فرموده است که: قدر علی بن جعفر اجلّ از آن است که ذکر شود و شنیدم آنکه اهل کوفه، التماس نمودند از او که از مدینه به کوفه بیاید، چون به کوفه آمد، مدتی در آنجا ماند و اهل اخبار، اخبار را

۱. علی بن جعفر صادق^{علیه السلام} امامزاده عظیم الشأن که پنج امام را درک کرده است و از آنان حدیث شنیده، بویژه از برادرش امام موسی بن جعفر^{علیه السلام}. شیخ مفید بسیار او را ستوده و سدید الطریق، شدید الورع، کثیر الفضل و راویة للحديث دانسته و ملازم برادرش امام موسی کاظم^{علیه السلام} و سایر ائمه بوده است. در «تاریخ قم» آمده است که امام صادق^{علیه السلام} ده «عُرِض» در یک فرسنگی مدینه به او بخشید و در هنگام وفات پدر دوساله بود و چون بزرگ شد، بدان ده ساکن شد و فرزندان او را از این رو عریضیه خوانند (ارشاد مفید، ص ۲۸۷؛ تاریخ قم، ص ۲۲۴؛ رجال کشی، ص ۴۲۹؛ المستدرک نوری، ۳/۶۲۶؛ اعیان الشیعه، ۸/۱۷۷؛ موسوعة المصطفی و العتره (الصادق جعفر)، ۴۹/۱/۹ - ۵۰؛ گنجینه آثار قم، ۳۲۱/۲ - ۳۲۵؛ تحیه الزائرین، ص ۳۲۲ - ۳۲۳.

۲. منتهی الآمال، ۳۰۳/۲، ۳۰۴.

۳. عمدة الطالب، ص ۲۱۴.

۴. بحار الانوار، ۴۷/۲۴۵، ۲۶۶ و ۴۸/۳۰۰ - ۳۰۲. کتاب «مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها» در سال ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م، بوسیله مؤسسه آل البیت^{علیهم السلام} لاحیاء التراث، در بیروت، منتشر شده است.

۵. در اصل: «برخواست».

۶. همان.

۷. رجال کشی، ص ۴۲۹؛ موسوعة المصطفی و العتره (الصادق جعفر)، ۵۰/۱/۹.

۸. در اصل: «برخواست».

۹. اصول کافی، ۱/۳۲۲ حدیث ۱۲؛ موسوعة المصطفی و العتره (الصادق جعفر)، ۵۱/۱/۹؛ عمدة الطالب، ص ۲۱۴ - ۲۱۵.

از او اخذ نمودند، پس اهل قم، از او استدعا نمودند که بیاید در قم، به جهت اخذ مسائل، آمد و در قم بماند تا آنکه به جوار رحمت الهی پیوست.^۱

و در کتاب شرح من لا یحضره الفقیه، مذکور است که: قبر علی بن جعفر، در قم مشهور است. اهل قم از جنابش استدعا کردند که در قم نزول اجلال بفرماید؛ پس استدعای ایشان، اجابت نموده، به آنجا ورود فرمودند تا آنکه در قم از دنیا رفت و اولادش، در عالم منتشر شدند و در اصفهان قبر بعضی [از آنان موجود است] از آن [جمله] سید کمال‌الدین است که قبرش زیارتگاه مردم است.^۲

و صاحب کتاب روضه الشهداء گفته: علی بن جعفر العریضی، کنیتش ابوالحسن است و عالم بزرگی بوده، در کودکی از پدر بازمانده و از برادر خود حضرت امام موسی (ع) علم آموخته و نسبت او به «عریض» است و آن دهی است به چهار میل از مدینه دور و اولاد او بسیارند و ایشان را «عریضیه» گویند و او را عقب از چهار پسر است محمد و احمد شعرائی و حسن و جعفر، اما جعفر اصغر عقب او از علی پسر اوست.^۳

و در کتاب منتهی الآمال است که: شاهزاده احمد بن قاسم، یکی از احفاد حضرت علی بن جعفر عریضی است.^۴

سید فاضل و عالم کامل آقا سید علی بن سید محمد اصفهانی، معروف به «امامی»^۵ که تلمیذ علامه مجلسی است و صاحب کتاب تراجیح است در فقه و ترجمه شفا و اشارات شیخ رئیس و کتاب هشت بهشت و آن ترجمه هشت کتاب است از کتب اصحاب مانند کتاب خصال و کمال‌الدین و عیون اخبار الرضا و امالی و غیر ذلک^۶ و او را «امامی» می‌گفتند به جهت انتسابش به امامزاده ابوالحسن علی زین‌العابدین بن نظام‌الدین بن احمد بن شمس‌الدین عیسی ملقب به «رومی» ابن جمال‌الدین محمد بن علی العریضی ابن الامام جعفر الصادق^۷ که در محله جملان^۸ مدفون است.^۹

مؤلف گوید که: مخفی نماناد که قبر امامزاده عالی‌مقام حضرت علی بن جعفر (ع) مشتبه و غیر معلوم است و سه موضع است که به آن جناب نسبت می‌دهند:

اول. در بیرون قلعه سمنان، در میان باغچه‌ای با نضارت، با قبه و بقعه و عمارت با نراهتی.

دویم. در یک فرسخی مدینه طیبه، در قریه «عریض» که

ملک آن جناب و محل سکناى خودش وذریه‌اش بوده [است]. سیم. در بلده طیبه قم، در بیرون بلد، مزارى است معروف به آن جناب و از برای اوست صحن وسیعی و بقعه و گنبدی مرتفع و عالی و آثار قدیمه که از آن جمله لوح قبر است که بسیار قدیمی است و مرقد او مزین است به خشتهای کاشی که معروف است که کاشی به این خوبی تاکنون در هیچ مکانی دیده نشده و بر روی مرقد او: علی بن جعفر بی‌واسطه نوشته است و در سنه احدی و سبعین و سبعمأة [۷۷۱] تاریخ کاشی قبر مطهر است.^۹

۱. تعلیقه وحید بهبهانی، ص ۲۲۷ در هامش منهاج‌المقال، چاپ ۱۳۰۶ قمری.

۲. شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۴/۱۸۹ - ۱۹۰.

۳. روضه الشهداء، ص ۴۱۳.

۴. منتهی الآمال، ۲/۳۰۵.

۵. سید علی بن محمد بن اسدالله امامی اصفهانی (سده یازدهم و دوازدهم قمری) عالم و فقیه که به‌خاطر نسبتش به امامزاده زین‌العابدین از نوادگان امام صادق (ع) مدفون در محله درب امام اصفهان، «امامی» می‌گفتند. وی از شاگردان آقا حسین خوانساری و علامه مجلسی و معاصر میرزا عبداللّه افندی بود. پدرش متولی موقوفات علامه اصفهان بود. (ریاض العلماء، ۱۸۶/۴ - ۱۸۷؛ روضات الجنات، ۴/۲۰۸؛ تذکره القبور، ص ۴۳۶؛ اعیان الشیعه، ۸/۳۱۳؛ فوائد الرضویه، ص ۳۷۰؛ الکنی و الالقاب، ۲/۵۶؛ ریحانه الادب، ۱/۱۷۳؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الشانی عشر)، ص ۵۰۰ - ۵۰۲؛ معجم المؤلفین، ۷/۱۸۳؛ اثر آفرینان، ۱/۲۹۶ - ۲۹۷؛ الذریعه، ۴/۶۲ - ۶۳، ۷۸ - ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۴۹۹.

۶. مانند «مصباح المتجهد»؛ «مصباح کفعمی» و «مهج الدعوات».

۷. محله «جمیلان» یا «سنبلان» و یا «سنبلستان» از محلات قدیمی شهر اصفهان که در مجاورت محله کهنسال «دردشت» واقع شده است.

۸. محل دفن وی به «امامزاده درب امام» معروف و در محله جمیلان واقع شده و در واقع محل دفن دو تن امامزاده به نامهای: «ابراهیم بطحاً» و «زین‌العابدین» است که از امامزاده‌های معتبر اصفهان به‌شمار می‌روند. ساختمان این بنا در سال ۸۵۷ قمری به‌انجام رسیده و در ۱۰۸۱ قمری گنبدی بر فراز آن ساخته‌اند (جلوه‌های هنر در اصفهان، ص ۳۳۱ - ۳۳۳؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۶۵ - ۷۷۲؛ آثار ایران گذار، ۴/۲۳۷ - ۲۴۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۱۸ - ۱۲۰).

۹. در منابع و مآخذی که شرح حال وی را نوشته‌اند، محل قبر وی را به اختلاف: عریض در نزدیکی مدینه، یا سمنان و یا قم نوشته‌اند چنانکه مؤلف اشاره کرده است، اما نوشته‌اند که قول مشهور در محل دفن وی همان «عریض» در نزدیکی مدینه است و نوری در کتاب «المستدرک» (۳/۶۲۶) گوید: حق آن است که قبر وی در «عریض» است و این مطلب نزد اهل مدینه معروف است و ما خود در یکی از سفرهایمان به مدینه قبر وی را دیده‌ایم و دارای قبه و بارگاهی عالی است که به دفن وی در آنجا کمک می‌کند و آن که در قم مدفون است قبر یکی از احفاد اوست. سید محسن امین نیز، در: «اعیان الشیعه» (۸/۱۷۷) همین قول را پسندیده و تأیید کرده است و گوید که دو قبر واقع در قم و سمنان از دو نفر دیگر است که در اسم با او یکی هستند.

میراث شهاب

مؤلف گوید که: اگر مدفون در این بقعه خود علی بن جعفر نباشد، باید یکی از احفاد او که آن: «علی بن

۱. از عناوینی که در آغاز نام وی ذکر شده، استفاده می‌شود که عطاء الملک در دولت اولجایتو سلطان محمد خدابنده، به خدمت درباری درآمده و در روزگار سلطان ابوسعید به مرتبه والا و درجه عالی ریاست دیوان مظالم برگزیده شده است.

در جانب شرقی بقعه علی بن جعفر، مقبره‌ای است وسیع و مقصوره مانند که دو لوح قبر قدیمی در آن موجود است و در یکی از کتیبه‌های آن دو لوح عبارت: «هذا المدفن ... میر محمد بن ابی الحسن قاسم بن میر محمد بن علی بن ابی الفضل الحسینی است که به ظن قوی، لوح قبر خود عطاء الملک میر محمد حسنی است که بانی تجدید عمارت این بقعه است (گنجینه آثار قم، ۳۳۲/۲ - ۳۳۳ - ۳۵۶).

۲. از عبارت: «امر بتجدید عماره ...» به خوبی آشکار است که گنبد و بقعه دیگری در اینجا بوده است که به گفته برخی در سال ۴۵۳ قمری ساخته شده بوده است.

۳. در اصل: «امضی».

۴. این مصرع را مؤلف به این شکل آورده: «علیکم کلّ مکرمه تعول» است که صحیح آن در متن آورده شد و اشعار کامل به این صورت است:

علی و ابنه و فخران و الحجّة و موسی و طهراه و بزّان و الحجّة
الیکم کلّ مکرمه تؤول اذا ما قیل جدکم رسول
ابوکم خیر من ركب المطایا و امکم المعظّمه و البتول
و فیکم انزل القرآن حقاً فذاک الفخر و الفضل الجمیل
بخدمتکم تشرف جبرئیل

۵. داستان سرقت این کاشی‌ها را فیض به این صورت نقل کرده است که: در سال قحطی ۱۳۳۶ قمری، شب نهم ربیع‌الاول که مصادف با هلاکت عمر بن سعد سرخیل کربلا به دست هواداران مختار است و سابقاً در چنین شبی، مردم جشن می‌گرفتند، بعضی از بختیاری‌ها در اثر تبانی با کلیمیان عتیقه‌چی، چند پارچه کاشی را در نظر گرفته، به تصور اینکه در چنین شبی، کسی در بقعه نخواهد بود و برای شرکت در برگزاری مجلس جشن همگی به شهر رفته‌اند و بقعه تهی از خادم کشیک است متوجه بقعه می‌شوند. اتفاقاً در آن شب یکی از خدّام به نام ملا علی اکبر پسر ملا معصوم که کشیک‌چی بقعه بوده درب را بر روی خود بسته، در داخل بقعه، به خواب رفته بود. بختیاری‌ها داخل محوطه شده، چون درب بقعه را بسته می‌یابند، آن را می‌کوبند تا از داخل گشوده شود، وقتی در باز نمی‌شود، به بریدن پاشنه آن با آره می‌پردازند، در این موقع ملا در را باز می‌کند و ساکت می‌ماند تا اینکه هدف ایشان را بفهمد و چون سارقین در شاه‌نشین جنوبی مشغول کندن یک پارچه کاشی ۷۰ در ۷۰ سانتی‌متری نقش طاووس می‌شوند، ملا بیرون دویده فریاد برمی‌آورد که (آی دزد! آی دزد!) بلافاصله، چند ضربه چماق بر سر او فرود آورده، ملا را به هلاکت می‌رسانند و کاشی مزبور را با چند کاشی معین، از ازاره برداشته و می‌روند. بامداد که خدّام داخل بقعه می‌شوند با جسد بی‌جان ملا روبه‌رو گشته، با ناله و فغان، جسد را به خانه علما و تولیت آستانه می‌برند و سپس او را دفن می‌کنند و متولی آستانه با حضور علما کاشی‌های باقی‌مانده را برداشته و به خزانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام انتقال می‌دهند و بعدها در سال ۱۳۱۴ ش، قسمتی به موزه ایران باستان و قسمتی هم به موزه قم انتقال می‌یابد (گنجینه آثار قم، ۳۳۸/۲).

۶. تحفة الزائر مجلسی، ص ۴۲۱ - ۴۲۲.

و در کتیبه بقعه مطهره نوشته است که: تجدید این عمارت مطهر را عطاء الملک میر محمد حسنی^۱ کرده است در سنه هفتصد و چهل و اصل عبارت کتیبه این است:

[امر] بتجدید^۲ عماره المشهد المقدّس مضجع الامامین السیدین المعصومین المظلومین الطاهرین ابی الحسن علی بن جعفر الصادق و ابی جعفر محمد بن موسی الکاظم - صلوات الله علیهما - المولی المرتضی الأعظم صاحب الأعدل الأحسب الأنسب علاء الحق و الدّینا و الدّین جلال الاسلام و المسلمین عطاء الملک میر محمد الحسینی - اعزّ الله فی الدّارین - فی سنه اربعین و سبعمأة.

و بر دیوار بقعه طرف دست چپ وقت ورود نوشته: «ائمه هذا الخلق بعد محمد، مودتهم فرض و اقوالهم حجة، فی سلخ ربیع الآخر سنه سبعمأة. امضا^۳ دعاگوی مردان بهرام قزوینی».

و بر دیوار سمت قبله، اشعار شافعی را نوشته که اولش این است:

«الیکم کلّ مکرمه تؤول»^۴

بعد از آن اشعار، نوشته: «بنده علی مسعود دوازده من روغن چراغ نذر کرد که همه ساله برساند. و بر دیوار طرف قبله روضه مطهره، چند عدد خشت کاشی بسیار ممتاز نصب بود که تقریباً دو زرع و نیم طول و دو زرع عرض آن بود، فرنگی‌ها به قیمت گزاف آن را می‌خریدند و ندادند، تا اینکه چند عدد از آن خشتها را سرقت نمودند، از خوف اینکه مبادا بقیه سرقت شود، در سنه یکهزار و سیصد و سی، حسب الفرموده حاجی میرزا محمد باقر متولی‌باشی، خشت‌های معروف به «دربهشت» را و خشت‌های روی قبر مطهر را و بعضی از خشت‌های دیگر، برداشته، به خزانه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نقل نمودند.^۵

و مجلسی - علیه الرحمة - در کتاب تحفة الزائر می‌فرماید که مزاری در قم می‌باشد که قبر بزرگی در آن ساخته‌اند و بر روی قبر کتابتی هست که: «هذا قبر علی بن جعفر الصادق و محمد بن موسی [علیهما السلام] و از تاریخ بنای آن قبر تا این زمان، قریب چهارصد سال می‌شود» پس همان کلامی را که از بحار نقل می‌شود فرموده «چون از آن قبر قدیم و لوح آن چنین ظاهر می‌شود که در آنجا مدفون باشد، بهتر آن است که در آنجا زیارت آن حضرت را بکنند».^۶

حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر باشد که سه پشت او به علی بن جعفر عریضی می‌رسد و به چهار پشت به حضرت صادق (ع) زیرا که در کتاب تاریخ قم، نقل می‌کند که: «آن احمد را دفن نمودند در مقبره‌ای که در نزدیک علی بن الحسن العلوی العریضی است، نزدیک نهر سعد»^۱ پس از این عبارت کشف می‌کند از اینکه مدفون در این بقعه، همین علی بن الحسن بن محمد بن علی بن جعفر باشد.

و جمیع امامزادگانی که نسب ایشان به علی بن جعفر (ع) می‌رسد، آنها را عریضی می‌گویند.

و اما قبر دیگر که متصل است به قبر: علی بن جعفر مذکور، چنان معلوم می‌شود که صاحب آن قبر هم محمد بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر^۲ [علیه السلام] می‌باشد که به پنج پشت، به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد.

و در جنب روضه مطهره مسجدی است سقف آن مرتفع، از بناهای بسیار قدیم است. شاهزاده فرمان فرما، بنای آن مسجد را تجدید نمود.

تقریباً در شش سال قبل، تخته سنگی در آن مسجد از زیر خاک درآوردند که مقدار ده کره قطر آن سنگ بود و بر آن نوشته بود: «هذا المدفن العلامة المرتضى المجتبی الاعظم المکرم السید التقیب نظام‌الدین سلطان احمد بن المرتضى ابن التقیب المغفور السید فخرالدین نقیب الرضوی»^۳.

و در وسط صحن حضرت علی بن جعفر، یک تخته سنگ قطوری بر روی قبری نهاده و در اطراف آن سنگ، نوشته: «محمد بن ابی‌الحسن قاسم بن میر بن...» در اینجا چند اسم حک شده، بعد از آن نوشته: «ابی‌الفضل» و اسم خودش حک شده، مظلون آن است که قبر یک نفر رضویون باشد.^۴ در ذکر بقعه‌ای که در آثار قبرستان علی بن جعفر واقع است:

از قراری که صاحب تاریخ قم می‌نویسد، معلوم می‌شود، نسب او منتهی می‌شود به حضرت سید سجاد (ع) از نسل فرزندش که علی بن امام زین‌العابدین باشد و سلسله نسب او بدین طریق است که: ابوالعباس ابراهیم^۵ بن احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن علی بن امام زین‌العابدین (ع) در

تاریخ قم می‌نویسد که آن ابراهیم بن احمد در مقبره‌ای که در نزدیک علی بن الحسن العلوی العریضی است به نزدیک «نهر سعد» مدفون است، اما در کتیبه این بقعه، اسم امامزاده و حضرت موسی بن جعفر را نوشته و واسطه او را انداخته است و آن کتیبه را از گچ درآورده‌اند که چشمم به خواندن تمام آن وفا نکرد، اما در آخرش این عبارت است: «تم علی

۱. تاریخ قم، ص ۲۲۸. در همین «تاریخ قم» (ص ۲۲۴) آمده است که: «حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر صادق، از مدینه به قم آمد و پسر او علی با او بود و از علی بن الحسن، ابوالفضل حسین و ابوالحسن عیسی و ابوجعفر محمد و ابوالقاسم حمزه و ابوعلی احمد در وجود آمدند. پس ابوالفضل حسین بن علی جوانی عاقل بود و پارسا و از او ابوالحسن علی و ابوالعباس احمد و دو دختر در وجود آمدند و نقابت سادات «آبه» بدو مفوض بوده است». بر این اساس در «تاریخ قم» هیچ اشارتی به مهاجرت علی بن جعفر الصادق (ع) نشده است و تنها به مهاجرت یکی از نوادگانش به نام: حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر، اشارت رفته که با فرزندش (علی بن حسن که صاحب این بقعه و بارگاه است) به قم آمده است و سکونت کرده است. بر این اساس این گنبد و بارگاه باید از علی بن حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر، یکی از نوادگان علی بن جعفر الصادق (ع) باشد و نه از خود او چنانکه در برخی منابع هم به این نکته اشاره شده است (گنجینه آثار قم، ۳۲۳/۲ - ۳۲۴؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۹۴ - ۱۹۵؛ بررسی و بزرگیهای مقابر قرن هفتم هجری در دروازه کاشان قم، ص ۱۴۵ - ۱۷۰).

۲. در تاریخ قم راجع به جد محمد چنین گوید: ... ابو عبدالله اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی و دیگر عرب به قم او را فرمودند که بدین شهر مقام باید کرد و ساکن می‌باید شد ... پس ابو عبدالله به قم باز ایستاد و ... از زنی دیگر ابواحمد موسی و حسن آورد» سپس اضافه می‌کند که: «و از ابواحمد موسی بن اسحاق» و در اینجا که باید نام پسران وی یعنی محمد و ... را ذکر کند افتادگی دارد. بر این اساس، پدر محمد و جدش اسحاق در قم، مقیم بوده‌اند و طبیعی به نظر می‌رسد که محمد نیز در قم بوده باشد و در همین جا درگذشته و مدفون شده باشد (نک: تاریخ قم، ص ۲۲۲). در منابع دیگر آمده است که محمد بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم العسکر ابن موسی بن ابی‌السبحه ابن ابراهیم المرتضى ابن امام موسی الکاظم (ع) که در قم به «محمد فقیه» شهرت داشته و جد او سلطان سید اسحاق در ساهه مدفون است و بنابراین با شاهزاده حمزه مدفون در قم پسرعم است (گنجینه آثار قم، ۳۲۲/۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۹۴ - ۱۹۵).

۳. فیض گوید: این دو لوح بدون توجه به نفاستشان سالها در میانه صحن زیر برف و باران و یخ افتاده بودند و اخیراً در اثر تسطیح صحن زیر خاک رفته‌اند (گنجینه آثار قم، ۳۵۷/۲).

۴. چنانکه در پاورقی‌های پیشین اشاره شد، فیض احتمال داده که این لوح قبر می‌بایست متعلق به میر محمد بن ابی‌الحسن قاسم بن میر محمد بن علی بن ابی‌الفضل حسینی یعنی همان عطاءالملک بانی این بقعه باشد.

۵. آنچه در نسخه چاپی «تاریخ قم» آمده است، چنانکه در پاورقی‌های پیشین اشاره شد: «ابوالعباس احمد بن محمد بن الحسن» است نه ابراهیم چنانکه مؤلف اشاره کرده است (نک: تاریخ قم، ص ۲۲۸).

میراث شهاب

ید الحسن الطوسی» تاریخ کتابت کتیبه: شهر شوال سنه هشتصد و پنج [است].

و در جنب قبرستان حضرت علی بن جعفر علیه السلام قطعه باغی است مشهور به «باغ گنبد سبز»^۱ و سه بقعه مرتفع بسیار عالی در این باغ، بنا شده، در کمال رزانت و متانت، مضجع اعظم این ولایت بوده، بر روی جزرهای آنها که به وضع مثنی است، سور قرآن، به خط ثلث ممتاز از گنج بیرون آورده‌اند و بر سقف آن اسما چهارده معصوم پاک را از گنج بیرون آورده، گنج‌بری بسیار ممتاز به طرز قدیم نموده‌اند. در وسط آن بقعه‌ها، کتیبه‌ای است به خط ثلث، در کمال خودش نوشته شده و اسما خفتگان آن پاک را نوشته‌اند.

بقعه اول^۲

بر کتیبه اول سطر بالا سوره مبارکه «فتح» را از اول سوره الی آیه مبارکه: «عَلِيٍّ حَكِيمٍ» نوشته. بر سطر دویم قدری از آن حک شده است، بعد از آن این عبارت است: «صفي الاسلام والمسلمين» باز حک شده و بعد نوشته: «وولده و فلذة كبده الصاحب الشهيد المغفور جمال الدولة و الدين علي بن ابي المعالي ابن علي الصفي - بزده الله مضجعهما و جعل الجنة مرجعهما - تاريخ هفتصد و شصت و یک رقم امضا^۳ علی بن محمد بن ابی شجاع».

بقعه دویم

سطر اول سوره مبارکه: «قد افلح المؤمنون» است از اول سوره مبارکه الی «عهدهم راعون». بعد نوشته: «رب اغفر لساکني هذا المرقد اللطيف الصاحب الاعظم الدستور الاعلم المرضي اللقب خواجه جمال الحق و الدين علي وابنه^۴ امير جلال الدين و آخاه خواجه

۱. باغ گنبد سبز که سه گنبد تاریخی را در دل خود جای داده و اکنون در انتهای خیابان چهارمردان قم، جنب گلزار شهدا و در بخش شرقی قم واقع شده و پیش‌تر به گنبدهای دروازه کاشان شهرت داشته‌اند و در قدیم جزو گورستان «درب بهشت» و گورستان وزیران و پادشاهان و امیران بوده است. این سه گنبد مثلثی را تشکیل داده‌اند و در میانه باغی کوچک به همین نام قرار گرفته‌اند و مربوط به سده هشتم هجری است. در گذشته باغی در بسته و فاقد طریق ایاب و ذهاب بوده و در نتیجه برای دیدن گنبد سعد و سعید که در وسط باغ است، به واسطه نبودن خیابان و راه، ناچار باید

خمیده از لابلای درختان و میانه کردوهای پر گل و لای با تحمل زحمت و مشقت عبور کرد، اما امروز در اثر قطع درختان به راحتی می‌توان وارد این باغ شد بوژه که در مقابل آن خط‌کشی شده و به خیابان راه دارد. گنبدی که در قسمت شمالی واقع است قدیمی‌ترین بناهاست و پیش از قرن هشتم هجری ساخته شده، اما تاریخ ندارد.

۲. جنوبی‌ترین گنبد باغ سبز براساس کتیبه آسیب‌دیده موجود در آن که به این شرح است: «ذکر القديم اعلى و بالتقديم اولی امر باساس هذه البقعة الرفیعة و السدة المنیعة المولی الصاحب الاعظم اعدل العرب و العجم [ناصر الشریعة - مؤلف تاریخ قم - در هشتاد سال پیش این قسمت فرو ریخته را چنین خوانده است: «الاعظم الاعدل مالک رقاب»] الدینا و الدین صفي الاسلام و المسلمین علي عز الله انصاره و ضاعف اقتداره رسم مرقد عمه الصاحب ... (آسیب دیدگی) اصیل الذوله ... و الدین اصیل [الاسلام و المسلمین] (که اکنون ریخته شده) علي بن ابي المعالي بن علي صفي بزده الله مضجعهما و جعل الجنة مرجعهما في شهر سنة احدى و ستین و سبعمأة» مدفون دو تن به نامهای: «اصیل الدین فرزند علی صفی، نیای بزرگ خاندان صفی و عموی بانی گنبد خواجه علی صفی، همان کسی که در قم نایب خالصه‌جات خواجه علاء الدین محمد هندو بود و دیگری فرزند وی خواجه علی اصیل یا همان جمال الدین علی است. او نخستین کسی است از این خاندان که بر حکومت قم و مضافات آن دست یافت. وی پس از درگذشت ابوسعید بهادر به سال ۷۳۶ قمری فرمانروایی قم را به دست آورد و در سال ۷۵۹ قمری، در حین عهده‌داری این مقام کشته شده است. به گفته فیض، خواجه اصیل الدین شیخ الاسلام و قاضی القضاة چهل ساله عراق است که بارها حکومت اصفهان نیز، به عهده داشته. نامبرده عم علی صفی شهریار عراق بود که این گنبد هم از ناحیه آن شهریار در سال ۷۶۱ قمری بر فراز قبر عمویش بنیاد نهاده و شاید نخستین گنبدی باشد که به دست استاد ابوشجاع گنج‌بری شده است و بر دیگر آثارش مزیت دارد.

تعجب آن است که تا حال هیچ یک از مؤلفین نام مدفون در این بقعه را افشا نکرده‌اند و همچنان مجهول مانده بود، زیرا تصور نمی‌کردند که اصیل الدین نام مدفون در این گنبد باشد، بلکه آن را جزو عناوین می‌گرفتند. قاعده این گنبد مضلع و از خارج و داخل هشت ترکی به دهانه هشت متر و ارتفاع دوازده متر، مشتمل بر هشت صفحه، هر یک به دهانه ۲/۳۰ و عرض ۸۰ سانتیمتر دارای چهار درب ورودی است که در تعمیرات آخر جلو سه در آن را با آجر پوشانده‌اند. امروزه کف بنا حدود ۱/۵ متر، پایین‌تر از سطح زمین‌های اطراف قرار دارد. پی بنا به صورت چند وجهی و آجری است. نخستین ردیف آجرچینی، به صورت راسته‌چینی انجام یافته که در فواصل، هر ضلع را جرزى ستون‌مانند از دو سو در میان گرفته است از این رگ به بعد، آجرچینی معمولی متحدالشکلی، سراسر بنا را تا ارتفاع هشت متری دربرمی‌گیرد. بر فراز نخستین رگه راسته‌چینی، طاق‌نماهایی با قابی مستطیلی در هر ضلعی تعبیه شده که تا پایان قسمت دوازده ضلعی بنا امتداد دارد. نقوشی تزئینی گنبد بیشتر شامل اسلیمی‌ها، گل و بوته‌ها و کتیبه‌هایی شامل آیات قرآن و اسامی مقدس «الله» و «علی» است. در پیشانی طاق‌نماها نیز، در سراسر بنا، در هر لچکی، ترنجی است که بر مجموع آنها صلوات کبیر: «اللهم صل علی محمد المصطفى والمرضى علی [... تا] والحجة القائم مهدي صلوات الله عليهم اجمعين» نوشته شده است. (نک: گنجینه آثار قم، ۲/ ۴۲۰-۴۲۵؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۲۱-۳۲۲).

۳. در اصل: «امضی».

۴. در اصل: «و ابیه».



عمادالدین محمود و آخاه خواجه صفی‌الدین^۱ تاریخ هفتصد و نود و دو»^۲.

بقعه سیم^۳

در کتیبه آن سوره مبارکه «یس» است اما قدری از آن محو شده و تاریخ کتابت آن حک شده [است].

فصل دوم در ذکر امامزاده والامقام حضرت شاهزاده

حمزه بن موسی بن جعفر علیه‌السلام

مخفی نماناد که در محل دفن حضرت امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر علیه‌السلام اختلاف است.

صاحب کتاب جنة النعیم می‌نویسد که حمزه بن موسی بن جعفر علیه‌السلام در ری مدفون است و همان است که بقعه او متصل است به بقعه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام.^۴

و صاحب کتاب بدایع الانوار^۵، از مجدی روایت کند که حمزه بن امام موسی علیه‌السلام [مکتی به «ابوالقاسم» است و قبرش در اصطخر شیراز معروف و مشهور و محل زیارت نزدیک و دور است و آن جناب را سه پسر بوده و هشت دختر. اما پسران او یکی حمزه ثانی است و او به خراسان رفت و وفات کرد و از برای او عقب اندک است در بلخ، و یک پسر دیگر آن جناب قاسم است مکتی به «ابومحمد» و از او در ری و طبرستان و دامغان اعقاب بسیار است و پادشاهان صفوی همه از اولاد اویند و قاسم را دو پسر بود: احمد و محمد. احمد جد شاهان صفوی است و پسر سیم حمزه بن امام موسی علیه‌السلام [علی است که در شیراز در خارج اصطخر مدفون است].^۶

صاحب عمدة الطالب گوید که: حمزه بن امام موسی علیه‌السلام [مکتی به «ابوالقاسم» را سه پسر است. اول علی و او بلاعقب است و در اصطخر شیراز مدفون و قبر او را زیارت کنند. دویم قاسم است و سیم حمزه که این دو نفر اعقاب آن جناب در بلاد عجم بسیار است. اما حمزه بن حمزه رفت به خراسان و عقب او اندک در بلخ است^۷ و اسکندر بیگ منشی، در جلد اول از کتاب تاریخ عالم آرا^۸ در ذیل نسب سلاطین صفویه - انار الله برهانهم - ذکر نموده

عراق عجم به این شرح مدفون هستند: ۱- خواجه جمال‌الدین علی، ۲- فرزندش امیر جلال‌الدین، ۳- برادرش خواجه عمادالدین محمود، ۴- برادر دیگر وی خواجه صفی‌الدین.

در برخی منابع افراد مدفون در این بقعه را سه نفر دانسته‌اند به این دلیل که با حذف جمله «ابنه» از جلو امیر جلال‌الدین، وی را با عمادالدین یکی دانسته‌اند و برخی منابع هم لقب صفی را به اسم جمال‌الدین علی اضافه کرده‌اند. مؤلف نیز به جای کلمه «ابنه» کلمه «ابیه» آورده است که صحیح نیست.

به هر حال این گنبد و بنا در وسط دو گنبد دیگر قرار گرفته و مدفون خواجه علی جمال‌الدین است که دومین فرمانروای خاندان علی صفی است. فرزند و برادران وی نیز در اینجا مدفون هستند. بنای مزبور از خارج دوازده ضلعی است که هر ضلع آن را طاق‌نمایی به دهانه ۲/۴۰ و ارتفاع ۷ متر زینت می‌دهد. نمای داخل هشت ضلعی است و از این نظر همانند گنبد خواجه اصیل‌الدین است و همانند گنبد پیشین به علت رسوبات مختلف، کف آن در زیر سطح فعلی زمین اطراف قرار دارد. پایه‌های اصلی بنا، هره‌های پیش‌آمده‌ای است که به صورت راسته‌چین، کار شده است.

بر فراز بقعه گنبدی است مصلع، و هرمی دوازده تریکی به ارتفاع نه متر سراپا آراسته به کاشی‌های دوالی فیروزه‌فام با عنقی مصلع و هرمی شکل از آجر که جدیداً تعمیر شده است. این گنبد در دوران پیر محمد ساوجی که از سال ۷۹۰ قمری در قم و کاشان حکومت داشته است، بنیان‌گردیده است (گنجینه آثار قم، ۴۱۳/۲ - ۴۲۰، بناهای آرامگاهی، ص ۳۲۲ - ۳۲۳).

۳. بقعه سوم در شمال دو بنای دیگر واقع شده که به خاطر صدمه دیدن کتیبه آن، نام بانی و صاحب بنا مشخص نیست. این بنا به گفته فیض مربوط به سده نهم هجری است و نامگذاری آن به نام «سعد و سعید» یا «سعد سعید» یک حادثه تاریخی را زنده می‌سازد، چه اینکه «سعد سعید» صحیح است نه «سعد و سعید» که به «سعد» و «سعید» پسران عبدالله بن سود اشعری نسبت داده شود، هرچند سعد بن عبدالله نهر تاریخی خود را از جانب شرقی همین محوطه عبور داده است. ممکن است بگویند: سعد مولای ابودلف عجلی فرمانروای بلاد جبل در عصر مأمون عباسی در این گورستان و بقعه دفن شده است، زیرا نامبرده از صحابه خاص امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام و از مردان باتقوا و مورد احترام اهالی قم بوده است.

فیض سپس می‌افزاید که: اما آنچه به نظر نگارنده می‌رسد آن است که این گنبد، مدفنی یا مامن مجدالملک ابوالفضل سعد بن موسی براوستانی قمی، وزیر مقتول سلطان برکیارق است که آثار خیریه‌اش در مشاهد متبرکه بسیار و در سال ۵۹۲ قمری در قهستان از ناحیه امرای لشکر حنجرآگین گردید و چون وصیت کرده بود که جسد وی را به کربلای معلی ببرند، به فرمان سلطان جسد او را به قم منتقل کردند و به صورت موقت در این نقطه به امانت سپردند و بر فراز آن قبه‌ای بنا نهادند، تا در فرصت مناسب به عتبات منتقل شود. بعدها در سال ۸۷۳ قمری خواجه برهان‌الدین وزیر مقدم سلطان حسن بیک آق‌قویونلو را که به ضرب کارد خواجه ابراهیم بدلیسی به قتل رسید با جسد قاتل وی در این گنبد دفن کردند (گنجینه آثار قم، ۴۰۵/۲ - ۴۱۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۲۳).

۴. جنة النعیم، ص ۴۸۷.

۵. بدایع الانوار، ص ۲۷۹ - ۲۸۰.

۶. المجدی، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.

۷. عمدة الطالب، ص ۲۰۳.

۸. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ۷/۱.

۱. در «گنجینه آثار قم»: «دخلهم الله في رحمته اجمعين».

۲. از مفاد این کتیبه برمی‌آید که در این گنبد چهارتن از خاندان جلیل‌ملوک

بنیاد ز اصغر ابن ابراهیم است

چونان که بنای کعبه کرد ابراهیم

۱. در اصل این عبارت پس از نام جعفر چنین است: «و آن بزرگوار بدون واسطه است» که مبهم و گنگ است.

۲. جنة النعیم، ص ۴۸۷.

۳. تحفة الزائر، ص ۴۲۳-۴۲۴.

۴. تاریخ قم، ص ۲۱۶-۲۱۷. فیض می نویسد: مدفون در این گنبد شاهزاده حمزه (متوفای در اواسط قرن چهارم هجری) است و نامبرده از احفاد امام کاظم و نسبش به طور دقیق چنین است: «حمزة بن حسین بن احمد بن اسحاق بن ابراهیم العسکر بن موسی ابی السبحة بن ابراهیم المرتضی ابن امام موسی الکاظم» که نامبرده با پدر خود حسین و جد خویش احمد، در سه بقعه مجاور یکدیگر مدفونند و بنابراین سلطان سید اسحاق مدفون به سواه جد اعلاى وی می باشد و بعضی از مؤلفین با سریشم وهم و تخیل کوشیده اند تا حمزه مدفون در این گنبد را فرزند بلافضل امام کاظم معرفی کنند و بعضی گام فراتر نهاده، ادعا کرده اند که نامبرده با خواهر خود سستی فاطمه، همسفر بوده، معاً به قم درآمدند. تعجب در آن است که این نویسندگان هم عبارت «تاریخ قم» را مستند قرار داده اند، در صورتی که در تاریخ مزبور، آنجایی که از هجرت محمد بن موسی المبرقع حکایت کرده است، از رحلت بریبه زوجه وی دختر جعفر بن امام علی النقی در این شهر خبر داده، سپس مفاداً چنین می افزاید که برادران وی ابراهیم و یحیی صوفی، برای تصرف ماترک وی از کوفه به قم آمدند و در میدان زکریا بن آدم قریب مشهد حمزه بن موسی بن جعفر یا «حمزه موسوی» منزل و مأوی گزیدند [در نسخه چاپی تاریخ قم، عبارت «حمزه موسوی» وجود ندارد] و چنانکه پوشیده نیست جمله «حمزه موسوی» مثبت وجود فاصله و ذکر جد اعلی و اسقاط وسائط هم امری عادی و معمولی بوده است، و مؤید اینکه مدفون در این گنبد حمزه بن حسین بن احمد بن اسحاق است آن است که پدر و جدش نیز، در جوار وی مدفونند، منتها به جهت فضیلتی که حمزه داشته، مشهد مجتمع فقط به نام وی شهرت یافته است [گنجینه آثار قم، ۴۴۱/۲-۴۴۲].

۵. این آرامگاه در میدان کهنه قم - میدان زکریا بن آدم - واقع شده و مشتمل بر بقعه تاریخی، رواق مجلل، ایوان، کفشکن، حجرات و صحن هاست. بنای بقعه از خشت ساخته شده و از خارج و داخل دارای طرح هشت ضلعی است. این بنا از داخل به دهانه ۷/۵ و ارتفاع ۱۲ متر مشتمل بر هشت صفحه به دهانه ۲، عرض ۱ و ارتفاع ۷/۵ متر است. ازاره بقعه به ارتفاع ۱/۵ متر، مزین به کاشی کاری کلوکی و بالای آن تمام جدار سفیدکاری است. کف بقعه با کاشی های فیروزه ای قالب بزرگ سفوی فرش شده است. در وسط بقعه، ضریحی مجلل از چوب است که روی سکویی از سنگ مرمر نصب گردیده است. درون این ضریح، مرقدی آراسته به کاشی های خشتی منقش هفت رنگ، از آثار میرزا علی اصغر خان اتابک - بانی صحن آستانه و صحن بقعه و گنبد آن - است و در گلوگاه آن، کتیبه ای است به خط نستعلیق سفید و مرغوب در زمینه لاجوردی به تاریخ ۱۳۰۱ قمری.

تاریخ بنای بقعه با توجه به سبک بنا از سده هشتم هجری است که در دوره های بعدی تعمیرات و الحاقاتی داشته و اما گنبد بنا در سال ۱۳۰۱ قمری ساخته شده و از ابتکارات استاد حسن معمار قمی است. ارتفاع گنبد از سطح بام، چون قطر قسمت اولیه آن، حدود ۱۲ متر و سرابا مزین به کاشی های گرهی و احیاناً دوالی فیروزه فام و دارای گردنی مصلع و شانزده ترکی و آجری است (بناهای آرامگاهی، ص ۱۶۱؛ تربت پاکان، ۸۸/۲-۹۰؛ گنجینه آثار قم، ۴۴۳/۲-۴۵۳).

که: نسب این سلسله جلیله، به حضرت حمزه بن موسی (ع) منتهی می شود و مدفن آن امامزاده حمزه در قریه ای از قراء شیراز است و سلاطین صفویه از برای وی بقعه عالی بنا کردند و موقوفات زیادی از برای او قرار داده اند و در «ترشیز» هم مقبره ای است که جمعی اعتقاد کرده اند که از حضرت امامزاده حمزه است.

و صاحب کتاب جنة النعیم می نویسد که: آنچه مشهور و معروف است و جمعی از اهل طهران بر این نهج معتقدند و جز این عقیده ندارند، گویند که قبر این امامزاده حمزه در ری است و بقعه او همان بقعه ای است که متصل است به بقعه حضرت عبدالعظیم و حضرت عبدالعظیم به زیارت آن جناب مشرف می شده و فقره زیارت: «یا زائراً قبر خیر رجل من ولد موسی بن جعفر» آن بزرگوار بدین^۱ واسطه است.^۲ و مجلسی - علیه الرحمة - در کتاب تحفة الزائر می فرماید که: قبر شریف امامزاده حمزه، فرزند حضرت موسی بن جعفر (ع)، ظاهراً همان باشد که حضرت عبدالعظیم زیارت می کرده است آن مرقد منور را.^۳

اما صاحب تاریخ قم می نویسد که: حمزه بن موسی بن جعفر در قم مدفون است و او را حمزه بن موسی بن جعفر می دانند و می گوید که یحیی صوفی پسر جعفر کذاب که اولاد حضرت امام علی النقی (ع) می باشد، به قم اقامت کرد و در میدان زکریا بن آدم [به نزدیک] مشهد حمزه بن موسی (ع) وطن کرد.^۴

علی ای حال شاهزاده حمزه که در قم مدفون است، واقع است در محله ای که به نام خودش نامیده شده، بقعه وسیعی و گنبد بسیار مرتفعی و صحن بزرگی دارد.

در سابق صحن کوچکی و گنبد آجری داشت. در سنه یک هزار و سیصد و شانزده که میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم که به آستان بوسی حضرت فاطمه معصومه (ع) مشرف شد، صحن بسیار خوبی از برای او بنا نمود و گنبد را مرتفع و کاشی کرد و ایوان بقعه را تعمیر فرمود و ضریح چوبی ساخته و بر روی مرقد مطهر گذارد.^۵

در پیشانی ایوان بقعه منوره، کتیبه ای است که این قطعه در آنجا نوشته شده [است]:

این کفشکن سلیل موسای کظیم

کو طعنه زند به طور ما موسای کلیم

این وادی مقدس است فاخلع نعلیک
و این باب خداست فادخلوا للتعظیم^۱

حضرت امامزاده احمد بن موسی بن جعفر علیه‌السلام^۲

بقعه او متصل است به بقعه حضرت شاهزاده حمزه سابق‌الذکر

در کتاب تاریخ قم^۳، در ضمن اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام احمد نامی را ذکر می‌کند و می‌فرماید که در قم وفات نموده و محل دفن او را تعیین نمی‌کند و ظاهراً مدفون در این بقعه همان احمد باشد. پس بنابراین نسب شریف او بدین طریق است: «احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه‌السلام».

در سنه یک‌هزار و سیصد و هفده، صدر اعظم، صحن کوچکی از برای او بنا نموده و متصل است صحن او به صحن شاهزاده حمزه علیه‌السلام و بر کتیبه ایوان بقعه این کتیبه نوشته شده:

به عهد خسرو عادل مظفرالدین شاه

که خاک مقدم او تاج قیصر است و قباد

به امر صدر معظم علی اصغر خان

که نوک خامه او مشکلات دهر گشاد

ز بهر سبط نبی احمد، این رواق بساخت

عزیز خان فلک فر، امین نیک نهاد

هزار و سیصد و هفده گذشت از هجرت

تمام گشت به سعی علی‌اکبر راد^۴

هراسناک بودند، از این جهت بیشتر مشاجرات و اختلافات مردم در آنجا پیش از اقدام به مراسم مقدماتی سوگند، به صلح و آشتی میان طرفین خاتمه پیدا می‌کرد. این مشهد از نظر بیوتات و مرافق تابعه مستغنی بوده و مشتمل بر بقعه تاریخی و رواق مجلل و ایوان مفخم و کفشکن‌ها و حجره‌های جوراجور و صحن‌های متعدد است.

در طرف شمال این بقعه و بارگاه، گورستانی پست و بلند و مخوفی بود که در سال ۱۳۲۵ ش مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض، در ضلع شمالی آن آب انباری ساخت و بر فراز آن مسجدی مجلل بنیان نهاد که با خودیاری مردم قم، به انجام رسید و بعدها بقیه محوطه گورستان به وسیله شهرداری قم، به باغ و چمن‌کاری تبدیل گردید و جزو تفرجگاه‌ها و تفریحگاه‌های مردم قم درآمد (گنجینه آثار قم، ۲/۴۴۰-۴۴۱).

۲. بقعه امامزاده احمد بن موسی و به تعبیر صحیح: «امامزاده احمد بن اسحاق» در میدان کهنه قم یا میدان زکریا بن آدم و در کنار مرقد شاهزاده حمزه بن موسی بن جعفر علیه‌السلام قرار گرفته و مدفون در آن چنانکه مؤلف ذکر کرده: «احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه‌السلام» و یا چنانکه فیض و دیگران نوشته‌اند: «احمد بن اسحاق عسکری» است که از نوادگان امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام است. اسحاق پدر وی در ساوه مدفون و جد شاهزاده حمزه سابق‌الذکر می‌باشد. پدر شاهزاده حمزه، حسین بن احمد هم در بقعه غربی همین بقعه مدفون است، زیرا در این محوطه سه مقبره از نامبردگان موجود است.

برخی مانند محدث قمی، صاحب «منتهی الآمال» احتمال داده‌اند که بقعه مقابل درب شمالی مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام را بقعه «احمد بن اسحاق موسوی» باشد، در صورتی که آن بقعه از آن «احمد بن اسحاق اشعری» وکیل امام عسکری علیه‌السلام است (گنجینه آثار قم، ۲/۴۵۴؛ بناهای آرامگاهی، ص ۹۷؛ منتهی الآمال، ۲/۷۳۷-۷۳۸).

۳. تاریخ قم، ص ۲۲۱-۲۲۲ و نوشته است که از اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی، پسری به وجود آمد، ابوعلی احمد نام و ابوعلی به آب رفت و از آل طلحه زنی به همسری گرفت و صاحب چند فرزند شد، سپس به قم بازگشت و از دختر صایغ صاحب پسری شد به نام حسین و بالاخره دیده از جهان فرو بست.

۴. حرم و ساختمان اصلی امامزاده، از بناهای پیش از زمان صفویه است که در دوره شاه طهماسب، تعمیر و تزیین شده است و چنانکه از گفته مؤلف و کتیبه ایوان بقعه برمی‌آید، در زمان مظفرالدین شاه قاجار و به دستور میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان اتابک اعظم و با مباشرت عزیز خان و اهتمام علی‌اکبر نامی در ۱۳۱۷ قمری، بازسازی شده است. این بارگاه دارای صحن و ایوان و بقعه قصبه و لوحی از کاشی قدیمی است و صحن آن به دهانه هشت در شش متر است و میانه با صحن شاهزاده حمزه، سه نمایندی شده است و این نماها بر فراز دو ستون سنگی و دو نیم ستون طرفینی واقع‌اند. ایوان جلو بقعه به دهانه ۳/۵ و عرض دو متر و ارتفاع هشت متر، دارای جدار آجری و پوشش رسمی بندی، آراسته به کاشی‌کاری معقلی با جبهه مزین به کاشی‌های کلوکی است و مدخل بقعه با دالانی مورب در زیر همین ایوان واقع است و در طرفین ایوان دو کفشکن با دو پله واقع شده است. در وسط بقعه ضریحی است از چوب و مشبک که درون آن مرقدی است با چهار بدنه سفیدکاری که روی آن آراسته به لوحی از کاشی قدیمی به عرض ۶۰ سانتی‌متر و طول ۱/۵ متر و از سه پارچه خشت‌های ۶۰ در ۵۰ سانتی‌متر تشکیل یافته است (گنجینه آثار قم، ۲/۴۵۴-۴۵۶؛ بناهای آرامگاهی، ص ۹۷-۹۸؛ تربت پاکان، ۲/۹۰-۹۱).

۱. مشهد امامزاده حمزه به نوشته فیض، از مشاهد مورد توجه و مزار عمومی و مرکز حلف و تحلیف متداعیین در امور حقوقی و بلکه جزایی بوده که عموم مردم از سوگند دروغ یاد کردن به نام وی و در زیر بقعه و قبه وی